

استعانت از نماز و روزه

اکرم تسلیمی

دبیر درس دین و زندگی، تهران

اشاره

مقاله حاضر گزارشی از نحوه آموزش درس «یاری از نماز و روزه» در کتاب دین و زندگی پایه دهم است. هدف از این نوشتار، ارائه الگویی جذاب و کاربردی برای تدریس درس دین و زندگی است. نویسنده تلاش می‌کند با ارائه تدریس عینی و کاربردی و بهره‌مندی از تصویرهای ترسیم‌شده، بر تابلوی کلاس، و بیان مطالب مکمل و تحلیل محتوای درس بر غنای مطالب بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: نماز و روزه، تدریس کاربردی، دین و زندگی

درس را با ترسیم شکل‌های بسیار ساده و گاه خنده‌دار شروع می‌کنم. مطالب مهم درس را هم دسته‌بندی می‌کنم و روی تخته می‌نویسم. در فرصتی که دسته‌بندی‌ها را می‌نویسم، به بچه‌ها فرصت مطالعه درس قبلی را می‌دهم. بعد از اینکه از درس قبل دو سؤال پرسیدم، سراغ تدریس می‌روم. در مدت تدریس، نیازی نیست بچه‌ها مطلبی را یادداشت کنند. می‌توانند از تصویر آن درس، در برنامه «شاد»، استفاده کنند و همین‌طور تکه‌فیلم‌های (کلیپ‌های) مرتبط با درس را ببینند. درس را چنین شروع می‌کنم:

خدای مهربان برای ما برنامه‌ای را تنظیم کرده است. این برنامه همان وظایف شرعی ما در برابر خداوند است که به آن احکام می‌گوییم. احکام در سه حوزه جریان دارد که آن حوزه‌ها عبارت‌اند از:

۱. رابطه ما با خدا؛

۲. رابطه ما با خودمان؛

۳. رابطه ما با جامعه.

عزیزان من، بچه که بودم گاهی اوقات به موهای بلند بینی پدرم با تعجب نگاه می‌کردم و از خدا می‌پرسیدم: «خدایا، چرا این قدر موهای دماغ بابای من بلنده؟» اما مثل خیلی از سؤال‌های اصلی و غیر اصلی‌ام هیچ وقت از کسی نپرسیدم؛ چون هیچ‌کس جوابی نمی‌داد. اگر هم می‌پرسیدم، در نهایت زیر لب غرولندی می‌کردند و مرا از خود می‌رانند. بزرگ‌تر که شدم، سؤالاتم جدی‌تر شدند، به‌خصوص در زمینه احکام. سؤالاتی از این قبیل برایم مطرح شده بودند:

چرا باید نماز بخوانم؟ چرا باید روزه بگیرم؟ چرا باید حجاب داشته باشم؟ چرا محرم و نامحرم داریم؟ و... به‌طور کلی انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و آگاهانه آن‌ها را انجام دهد. درس امروز ما در مورد دو تا از این واجبات، یعنی نماز و روزه، است که جزو عبادات است و در حوزه رابطه ما با خدا مطرح می‌شود.

درس دهم از کتاب دین و زندگی

در آغاز کار و پیش از شروع تدریس پای تخته نام درس را می‌نویسم: «درس دهم؛ یاری از نماز و روزه»

تصاویر مربوط به درس «دوازدهم انسانی - دهم ریاضی -

تجربی» یاری از نماز و روزه

- خدای مهربان برای ما برنامه‌هایی تنظیم کرده یعنی احکام و ...



تا به قلّه سعادت برسیم



فایده نماز و روزه چیست؟

نماز و روزه دو فایده بزرگ دارند که عبارت‌اند از: ۱. یاد خدا؛ ۲. دوری از گناه.

به‌واقع هم همین‌طور است. شما وقتی نماز می‌خوانید، خواه‌ناخواه بیشتر به یاد خدا می‌افتید و خیلی از گناه‌ها را انجام نمی‌دهید؛ چون از خدا شرم می‌کنید که بعد از انجام آن گناه به نماز بایستید.

(در این موقع بعضی از بچه‌ها به علامت تأیید سر تکان می‌دهند و بعضی‌ها چپ‌چپ نگاه می‌کنند و تو خودت پیش‌دستی می‌کنی و چنین می‌گویی):

البته بعضی‌ها برای نفاق نماز می‌خوانند. به قول قرآن: «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا» (در دل‌های آنان مرضی است؛ پس خداوند بر مرض آنان افزوده است) (بقره/۱۰).

(بهتر است خودتان، در حین درس‌دادن، این قسمت کوتاه از قرآن را به‌صورت ترتیل تلاوت کنید تا بچه‌ها با صوت و لحن قرآن نیز آشنا شوند).

یادمان باشد منافقان همان افرادی هستند که بسیاری از مردم را از دین بیزار کرده‌اند. خداوند در مورد آن‌ها می‌فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا» (منافقان در پایین‌ترین و نازل‌ترین مراحل دوزخ قرار دارند و هیچ‌گونه یآوری برای آن‌ها نخواهی یافت) (نساء/۱۴۵).

مولا علی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید:

«روزگاری می‌رسد مردم با زبان، تظاهر به دوستی دارند؛ اما

در دل دشمن هستند، به گناه افتخار می‌کنند و از پاکدامنی به شگفت می‌آیند و اسلام را چون پوستینی وارونه می‌پوشند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱).

(برای استفاده صحیح از زبان بدن، اگر یکی از بچه‌ها کت یا کاپشن دارد، از او قرض بگیرید و مثال پوستین وارونه را برایشان شرح دهید تا کلاس کسل‌کننده نباشد. همین کار ساده کلاس شما را به وجد می‌رساند و خنده و شادی را نثار کلاستان می‌کند).

بچه‌ها، یکی از دوستانم تعریف می‌کرد: «وقتی در منزل خودمان هستیم و همسر نماز می‌خواند، با یک زیرپوش سوراخ و یک شلواریک و بدون جانماز و فقط با مهر شکسته و باسرعت نور نماز می‌خواند. بعد از نماز هم مهرش را زیر میل شوت می‌کند؛ اما وقتی مهمان داریم، نمازی طولانی همراه با تلفظ صحیح می‌خواند و «والضالین» هایش را به‌خوبی می‌کشد.

(چهره بچه‌ها از اینکه خود معلم بحث نفاق را مطرح کرده است، گشاده می‌شود. آن‌ها این‌گونه احساس صمیمت بیشتری با معلم خود می‌کنند).

امان از وقتی که وارد مسجد می‌شوی و بچه همراهت باشد و از قضا، بچه هم گریه و شیطنت کند. زیر رگبار نگاه‌های خانم‌های مُسن فرار می‌گیری، در حالی که تسبیح به دست دارند، زیر لب می‌گویند: «مسجد مگر جای بچه‌آوردن است؟!»

البته الحمدلله الان خیلی بهتر شده است. چند وقت پیش، شنیدم که در مسجدی بچه‌ای گریه می‌کرده است و مادر سریع

بچه را از مسجد بیرون می برد. سخنران فهیم مسجد هم، در ازای این کار، هزینه یک سفر کربلا را به این مادر هدیه می دهد.

مهم ترین فایده روزه؛ تقوا

خاطرم هست، در نوجوانی، گاهی اوقات همراه با پدر به سخنرانی های جالب آقای قرائتی گوش می دادم. یک بار ایشان در مورد «تقوا» بیان فرمودند:

در زبان عرب، اگر دو نفر از بیابانی بگذرند، درحالی که بوته خاری نزدیک دیگری باشد، به او می گوید؛ تو! تو! یعنی مراقب باش تیغ به لباست گیر نکند! پس می توانیم بگوییم: «تقوا یعنی مراقب باش تیغ گناه به تو گیر نکند!»

فایده نماز و روزه برای ما چیه؟



عزیزان من، تقوا به معنای حفاظت و نگهداری خود از گناه است؛ یعنی انسان بر خودش مسلط باشد و لجام (افسار) نفس خود را در اختیار بگیرد.

امام علی (ع)، در روایتی، تمثیل زیبایی می زنند و می فرمایند: «مثل انسان باتقوا مثل سوار کاری است که بر اسب رامی سوار شده است و لجام اسب خود را در اختیار دارد. راه می پیماید و عاقبت به بهشت می رسد و مثل انسان بی تقوا مثل سوار کاری است که بر اسب چموشی سوار شده است، اسب لجام پاره کرده و اختیار از دست سوار کار گرفته شده است. این اسب عاقبت سوار کار را به آتش می اندازد.»

(در این زمان، روی تخته کلاس، هشت و ویژگی که در این روایت برای اهل تقوا و انسان بی تقوا آمده است، به صورت جداگانه و شماره گذاری شده می نویسم. نمونه نوشته شده در تصویرهای ارسالی موجود است).

- حدیث امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

مثل انسان بی تقوا مثل سوار کاری است که

۱. بر اسب چموشی سوار است.
۲. لجام (افسار) پاره کرده است.
۳. اختیار از دست سوار کار گرفته است.
۴. عاقبت سوار کار را به آتش می افکند.



مثل انسان باتقوا مثل سوار کاری است که

۱. بر اسب رامی سوار شده است.
۲. لجام (افسار) اسب خود را در اختیار دارد.
۳. راه می پیماید.
۴. عاقبت به بهشت می رسد.



(اینجاست که در ذهن بچه ها سؤال هایی شکل می گیرد. در قدم اول، باید از آن سؤال ها آگاه باشید و حتی اگر خودشان مطرح نکردند، شما آن سؤالات را مطرح کنید و در قدم بعد، تائیدهای به پاسخ آن سؤالات نیز تسلط داشته باشید. برخی از این سؤالات عبارتند از: ۱. چرا باید نماز بخوانیم؟ ۲. آیا نمی شود نماز را به فارسی بخوانیم؟ ۳. من وقتی در دلم با خدا صحبت می کنم، احساس صمیمیت بیشتری با خدا دارم؛ نمی شود، به جای نماز، این طور با خدا ارتباط برقرار کرد؟ ۴. نمی شود، به جای روزه، دیگران را با دست و زبانم آزرده نکنم؟)

شبهه اول: چرا باید نماز بخوانیم؟

(همکاران خوبم، اینجاست که به اولین دانش آموزی که سؤال می پرسد و مثلاً می گوید: اصلاً چرا باید نماز بخوانیم، واکنش نشان می دهم و خطاب به او می گویم: «آفرین!» یک دفعه همه بچه ها به او نگاه می کنند.)

آفرین! آدم های باهوش دنبال پاسخ سؤالاتشان هستند. یک امتیاز مثبت پیش من داری. بچه ها، برایش محکم دست بزیند. (بعد دفترم را بر می دارم و امتیاز را مؤدبانه تقدیمش می کنم و می گویم: «اول برای خودت یک مثبت بگذار، بعد برای هر کسی که گفتیم.» با خوشحالی دفترم را می گیرد و تا آخر ساعت به تمام حرف ها خوب گوش می دهد. سپس روی تابلوی کلاس دانه های را می کشم و از تمثیل بی نظیر استاد رنجبر استفاده می کنم): وقتی دانه های روی زمین می افتد، ممکن است چند اتفاق برایش رخ دهد:

حیوانی آن را بخورد یا انسانی آن را لگد کند یا در اثر باد و باران و گرمای خورشید بگندد و خراب شود یا اینکه مقداری خاک روی آن بنشیند و آن دانه «خاکی» شود. وقتی که آن دانه «خاکی» و متواضع شد، باران آن را خیس می کند، خورشید گرمش و خاک تغذیه اش می کند، بعد جوانه می زند و رشد می کند و بعد گل می دهد. انسان هم اگر به خاک تواضع بیفتد و نماز بخواند، به قطع مورد باران رحمت خدا واقع خواهد شد و گرمای عشق پروردگار او را رشد می دهد.

(در این موقع کلاس غرق سکوت و تفکر می‌شود. تفکری که عالم و آدم به آن تشنه است و یک ساعت از آن، از هفتاد سال عبادت، بدون تفکر، ارزشمندتر دانسته شده است).

اما بچه‌ها خدا در قرآن می‌فرماید:

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» (وای بر نمازگزاران)، «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (کسانی که دل از یاد خدا غافل دارند)، «الَّذِينَ هُمْ يُرْأُونَ وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (همانان که [اگر طاعتی کنند] به ربا و خودنمایی کنند) (ماعون/ ۴-۶).

(همکاران خوبم، در اینجاست که شما پاسخ ده‌ها شبهه ناگفته دانش‌آموزانت را با آیات کوتاه قرآن داده‌اید. او را از ارزش اخلاص آگاه کرده‌اید و موضع دین را در قبال نامردمی‌های زمانه نشان داده‌اید تا دلش آرام گیرد. به او یادآوری کرده‌اید که خدا و پیغمبر خیلی خیلی بیشتر از او از نفاق بیزارند. اکنون وقت خوبی است که دوباره باب سخن را باز کنید و او را با مثالی دیگر به وادی خوف و رجا ببرید).

بچه‌ها، آیه دیگری هم در سوره قلم هست که من خیلی از آن می‌ترسم.

(با ادای این جمله، شاید در ذهن دانش‌آموزان این سؤال ایجاد شود که مگر معلم‌های دینی هم از چیزی می‌ترسند؟ این‌ها که فقط می‌ترسند و تو می‌گویی؟)

«يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِيعُونَ» (روزی که آن واقعه عظیم پدیدار شود و آن‌ها را به سجود فرا خوانند، اما قادر نیستند که سجده کنند) (قلم/ ۴۲).

روز قیامت مردم بسیار هراسناک می‌شوند. در این میان، به سجده فراخوانده می‌شوند، مؤمنان سجده می‌کنند و کافران و منافقان نمی‌توانند سجده کنند؛ چراکه لیاقت سجده کردن به پروردگار خود را از دست داده‌اند.

(همکاران خوبم، این زمان، وقت پیوند قلب عبد با ولی خداست. می‌توانید پای تخته بروید و کلام بی‌نظیر امام سجاد (ع) را روی آن یادداشت کنید:)

«خدایا، تو به‌واقع ستایش کردنی هستی. خوشبختی من کجاست پروردگار من، وقتی که سعادت، جز از مشرق دست‌های تو طلوع نمی‌کند. مفر من، روزنه نجات من، گریزگاه من کجاست، وقتی هیچ پناهی جز تو نیست.» (سیدمهدی شجاعی، ۱۳۹۸)

(اگر کلاس ساکت و یکنواخت شده است، نیاز به یک تلنگر شاد دارد. بنابراین، این‌گونه ادامه می‌دهیم:)

بچه‌ها، حتماً تا به حال بارها دیده‌اید که وقتی مادرتان مربا درست می‌کند، آخر کار، مقداری از آن را در ظرفی می‌ریزد تا ببیند قوام گرفته است یا نه. درست است؟ (واکنش‌ها دیدنی است)

- آره، شبیه زله می‌شه (انگار یک دفعه طعم مربای مادر در وجودشان غلیان می‌کند).

عزیزان من، «رب» یعنی تربیت کردن و سوق دادن چیزی به سمت کمال است و مربی یعنی کسی که پرورش می‌دهد؛ مثل مادر شما که میوه را پرورش می‌دهد تا مریا شود. خدا هم شما را پرورش داده است، از وقتی که در رحم مادر بودید. پس خدا مربی است. پس باید سپاسگزار مربی خود باشید و در برابرش خاضع شوید.

شبهه دوم: چرا نباید نماز را فارسی بخوانیم؟

(برای سؤال‌کننده این شبهه هم امتیازی ثبت می‌کنم و سریع پای تابلو می‌نویسم:)

«رحمن/ رحیم»

- بچه‌ها، کسی می‌داند این کلمه‌ها به چه معناست؟

- مهربان/ بخشنده.

- بخشنده یعنی چی؟

- مهربان.

- مهربان یعنی چی؟

- بخشنده.

- پس به‌ظاهر این دو کلمه با هم فرقی ندارند؛ اما واقعیت این است که با هم فرق دارند.

(دو تا آدمک ساده می‌کشیم. یکی زیبا و یکی زشت. اسم دانش‌آموزی که از این سؤال را پرسیده است، زیر آدمک زیبا می‌نویسم؛ مثلاً مریم (کلاس از خنده منفجر می‌شود). زیر آدمک زشت می‌نویسم: داعشی. بالای سر هر کدام هم قطرات باران می‌کشیم و ادامه می‌دهم:)

هر دو این‌ها تحت صفت رحمانیت خدا نفس می‌کشند و از آب باران استفاده می‌کنند و غذا می‌خورند؛ اما فقط آن کس که مؤمن است، زیر مجموعه صفت رحیم‌بودن خدا قرار می‌گیرد و به او لطف و رحمت ویژه می‌شود. نجات قوم بنی‌اسرائیل به اذن خدا و شکافته شدن رود نیل یا هزاران معجزه‌ای که خودتان در زندگی تان دیده‌اید، همگی از این نوع رحمت‌های ویژه پروردگار هستند.

حالا اگر نماز را به فارسی بخوانیم، آیا این تفاوت‌های معنایی و ظرافت‌های کلامی در گفت‌وگوی بین انسان با خدا منتقل می‌شود و ترجمه‌درستی از کلام خداوند دریافت می‌کنیم؟

بیان نمونه عینی و کاربردی از رحیم بودن خدا

یادم می‌آید شبی بارانی با همسرم، در یکی از جاده‌های کوهستانی شمال، در حال حرکت بودیم، جاده هیچ لامپی نداشت و تنها نور کمکی ما، نور چراغ‌های ماشین بود. من همه چشم شده بودم و بادقت جاده را برانداز و همسرم را راهنمایی می‌کردم. ناگهان متوجه حیوان کوچکی جلوی ماشین شدم. فریاد زدم: «نگه دار!» همسرم ترمز محکمی زد. بادقت نگاه کردیم. لاک‌پشته‌ای بود که با حوصله فراوان عرض جاده را طی می‌کرد. بعد، کمی ایستاد و تکان نخورد. از ماشین پیاده شدیم و با لبخند نگاهش کردیم. ناگهان چشمانم به چاله عمیقی افتاد که در اثر باران و نشست زمین ایجاد شده بود. لاک‌پشت درست روبه‌روی چاله ایستاده بود و حرکت نمی‌کرد؛ یعنی اگر پیاده نمی‌شدیم، متوجه آن چاله بزرگ نمی‌شدیم و بی‌شک به درون آن سقوط می‌کردیم.

آیا این ماجرای واقعی چیزی جز لطف و رحمت خاص خداست؟ زیر لب گفتیم: «الحمدالله! خدایا، هزاران بار تو را سپاس!»

(معمولاً بعد از بیان چنین خاطراتی یکی دو نفری هم اجازه می‌خواهند و ماجراهای ویژه زندگی خود را مطرح می‌کنند).

عزیزان من، پزشک متخصص نسخه را طوری می‌نویسد که خود

می‌داند. آیا من می‌توانم به او بگویم به این زبان بنویسید بهتر است؟! پس چگونه نسخه‌ای را که خدا برایم نوشته است، خودم عوض کنم؟ مگر نه این است که کتاب اوستا به زبان زرتشتیان و تورات و انجیل به زبان عبری است؟ پس من اگر مُرَبِّی (تربیت‌شده) بودم، باید تسلیم مُرَبِّی (تربیت‌کننده) خود باشم. باید «عبد» او باشم.

شبهه سوم: من وقتی با خدای خودم در دلم صحبت می‌کنم، احساس صمیمیت بیشتری با خدا دارم. آیا نمی‌شود به جای نماز این‌گونه با خدا ارتباط برقرار کرد؟

نماز را برای اینکه دستور خداوند است، به جا می‌آوریم، نه به هدف حرف زدن و ارتباط داشتن با خدا یا به یاد خدا بودن یا آرامش و... پس دلیل اصلی انجام این عمل واجب بودن آن است.

ببینید عزیزان من، اگر هدف از نماز فقط حرف زدن با خدا و کسب آرامش از این طریق باشد، می‌توانید هر گونه دوست داشتید با خدا صحبت کنید. اتفاقاً در هر زمان و هر مکان که دلتان خواست، می‌توانید رو به قبله یا حتی به غیرقبله، در سجده یا غیرسجده، با خدا به هر شکل که خواستید، صحبت کنید؛ اما نماز عبادت خاص مسلمان‌هاست. شعار مشترک بین همه مسلمان‌هاست که در همه زمان‌ها و مکان‌ها اجرا می‌شود. هم گفت‌وگو با خداست و هم شعار مسلمانی ماست. هم جنبه اجتماعی و جماعت‌بودنش مدنظر است و هم جنبه نظم و انسجام و اتحادش مطرح می‌شود. علاوه بر همه این‌ها، معارف و پیام‌های متعدد داخل متن و محتوای آن نیز مطرح است. نماز بسته کامل اخلاقی، اعتقادی، عبادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... است که فقط در همین شکل واجب‌شده آن تحقق پیدا می‌کند؛ پس باید همان‌طور که واجب شده است، انجام شود. «نماز» شعار دین ماست. همچنان‌که وقتی فردی مسیحی به کلیسا می‌رود و صلیب می‌کشد، شما متوجه می‌شوید او مسیحی است، من مسلمان هم وقتی به مسجد می‌روم و نماز می‌خوانم، مشخص است مسلمان هستم. همه ادیان مناسب خاص خود را دارند؛ مثلاً یک زرتشتی نماز خاص دین خود را دارد و همین‌طور سایر ادیان. آیا شما دیده‌اید یک مسیحی بگوید: «من می‌خواهم از این به بعد از پهلوی صلیب بکشم؟» پس این‌ها (نماز و روزه و...) دستورات دینی ما هستند تا این دین زنده بماند. این داستان را بشنوید:

هشام بن حکم از امام صادق (ع) پرسید: «چرا نماز واجب شد، در حالی که هم وقت می‌گیرد و هم انسان را به زحمت می‌اندازد؟» امام فرمود: «پیامبرانی آمدند و مردم را به آیین خود دعوت کردند. عده‌ای هم دین آنان را پذیرفتند؛ اما با مرگ آن پیامبران، نام و دین و یاد آن‌ها از میان رفت. خداوند اراده فرمود که اسلام و نام پیامبر اسلام (ص) زنده بماند و این، از طریق نماز امکان‌پذیر است.» (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۳۱۷).

رسیدیم به این آیه زیبا:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (و نماز را بر پا دار که نماز [انسان را] از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید) (عنکبوت/ ۴۵).

عزیزان من، خدا فرموده است که نماز بخوانید، بلکه می‌فرماید نماز را اقامه کنید. این دو با هم فرق می‌کنند. یک وقت شما درسی را می‌خوانید و نمره‌اش را هم می‌گیرید؛ اما یک وقت آن درسی را که خوانده‌اید، در تمام دوران زندگی‌تان به آن عمل و از آن استفاده می‌کنید؛ یعنی به آن تداوم می‌بخشید؛ مثلاً کار با رایانه را آموخته‌اید، نمره هم از معلم گرفته‌اید؛ اما بعدها با آن کار می‌کنید و روزی به دست می‌آورید.

«اقامه کردن» را برای برپا کردن خیمه هم به کار می‌برند. مثل دهه محرم که خیمه بر پا می‌شود و هر کسی هم که بیاید جدای هر ظاهری که دارد، به او نذری داده می‌شود.

حالا مؤمن واقعی که نماز می‌خواند، باید به‌گونه‌ای آن را بر پا دارد که روی رفتار او نیز تأثیر بگذارد و این تأثیر تداوم داشته باشد و خلق او را خوب کند. انگار خیمه‌ای بر پا کرده است و با روی خوش افرادی را که به او مراجعه می‌کنند، می‌پذیرد. چنین فردی بدخلقی نمی‌کند و اهل تهمت و غیبت و... نیست. فقط به دنبال این نیست که زیر خیمه یک نذری بگیرد و برود؛ بلکه در این خیمه، می‌خواهد رشد کند و باتقوا شود.

راستی! حواستان به عبارت آخر این آیه هم باشد: (خدا می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید)؛ یعنی خدا از باطن شما کاملاً خبر دارد و می‌داند نمازتان صادقانه است یا از روی ریا و فریب.

پس تأثیر نماز ما به تداوم (ادامه‌دار بودن) و به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد. در مدرسه، همه درس می‌خوانند؛ اما همه درسخوان‌ها موفق نمی‌شوند.

وقتی تأثیر نماز را در زندگی خودمان می‌بینیم که در قدم اول، نماز را ترک نکنیم و بعد از آن، در نماز دقت بیشتر به کار ببریم و شتاب‌زده و بدون آداب نماز نخوانیم. کسانی که به نمازشان بیشتر توجه می‌کنند، از منکرات بیشتری دوری می‌کنند. یادتان باشد زندانیان خلاق‌کار و مجرمان کمتر از بین نمازخوان‌ها هستند.

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده است یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه بازدارد، به همان اندازه نمازش قبول شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۲، ص ۱۹۸).

اگر به نمازمان خوب توجه کنیم، این نتیجه‌ها را به دست می‌آوریم:

۱. نماز به موقع = نظم بیشتر در زندگی.
 ۲. نماز خواندن با لباس تمیز = آلودگی ظاهری کمتر.
 ۳. غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار = دقت بیشتر به کسب درآمد حلال.
 ۴. تکبیر گفتن موقع نماز و توجه به مفهوم الله اکبر = کوچک شدن هر قدرتی نزد ما غیر از قدرت خدا.
 ۵. رکوع و سجود ما در نماز = خم‌نشدن در برابر مستکبران.
 ۶. توجه به «اهدنا الصراط المستقیم» = به راه‌های انحرافی نرفتن.
 ۷. توجه به عبارت «غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین» = جزو گمراهان نبودن
- بچه‌ها، غصب یعنی گرفتن مال دیگران از راه ظلم.

صاحبان صنعت پرسود مشروب‌سازی و الکل و هر مست‌کننده دیگر؛ پس بی‌شک شبهه آن را بین شما رواج می‌دهند تا سود هنگفت خود را از دست ندهند.

- خانم، پزشک‌ها می‌گویند کمی مشروب برای بدن مفیده.
- قطعاً همه پزشک‌ها این را نمی‌گویند؛ اما همه پزشکان می‌دانند که نوشابه‌های الکلی، پس از استفاده، سریع جذب خون می‌شوند. خون در مسیر خود مغز را بی‌نصیب نمی‌گذارد. در نتیجه، عمل سلسله اعصاب رو به ضعف می‌رود و خویش‌تن‌داری که ارادی و منشأ شرم و حیا در انسان و مانع از بروز کارهای زشت است، از دست می‌رود.

این را بدانید!

بیشتر کسانی که معتاد می‌شوند، به هیچ عنوان، فکر نمی‌کنند روزی معتاد می‌شوند یا حتی کارتن‌خواب. کسانی هم که مشروب می‌خورند گمان نمی‌کنند روزی ممکن است دائم‌الخمر شوند. جدای این مطلب، شراب‌خواری آثار مخرب و زیان‌بار جسمانی، مانند مشکلات کلیوی، قلبی عروقی و گوارشی دارد. خوب است بدانید که قرآن هم در مورد آن چنین فرموده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» [ای پیغمبر،] از تو از حکم شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در این دو کار گناه بزرگی است و سودهایی برای مردم، ولی زیان گناه آن دو بیش از منفعت آن‌هاست (بقره/۲۱۹). نکته شایان ذکر آن است که در انتهای آیه به منافع این موارد نیز اشاره شده است؛ اما کاملاً از لحن آیه برتری و بزرگی ضرر و گناه آن‌ها بر منفعتشان غلبه دارد. در این شرایط عقل ایجاب می‌کند انسان از مسائلی که ضرر آن‌ها بر نفع آن غلبه دارد، دوری کند.



مقاله کامل در این رمزینه

منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. تورات
۴. شجاعی، سیدمهدی، ۱۳۹۸، شکوای سبز، چاپ هفتم، تهران: نیستان.
۵. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، ۱۳۸۵، علل الشرایع، قم: کتابفروشی دآوری
۶. کلینسی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اگر نمازتان به موقع باشد

۱. نماز به موقع

← نظم بیشتر در زندگی

۲. نماز خواندن

← آلودگی ظاهری کمتر به ظاهر تمیز

۳. غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار

← وقت بیشتر به کسب درآمد حلال

۴. تکبیر گفتن موقع نماز و توجه به مفهوم الله اکبر

← کوچک شدن هر قدرتی در برابر خدا

۵. رکوع و سجود

← خم نشدن در برابر مستکبران

۶. توجه به اهدنا الصراط المستقیم

← به راه‌های انحرافی نرفتن

۷. توجه به عبارت غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

← جزو گمراهان نبودن



(بعد از این مرحله، به بحث طهارات و نجاسات اشاره می‌کنم و به پرسش‌های احتمالی شاگردان پاسخ می‌دهم. بحث شراب در میان نجاسات، توضیح بیشتری را می‌طلبد. برای همین خطاب به دانش‌آموزان می‌گویم):
به این آیه دقت کنید!

ای اهل ایمان، شراب و قمار و بت‌پرستی و تیرک‌های بخت‌آزمایی، همه این‌ها، پلید و از کارهای شیطانی هستند. پس البته که باید از آن دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می‌خواهد با شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا دور سازد و از نماز باز دارد (مائده/۸۵).

- خانم، چرا شراب حرامه؟

- بچه‌ها، در هر کشوری اگر راننده‌ای در حالت مستی رانندگی کند، جریمه می‌شود. چرا؟

- چون آن شخص تعادل خود را در حال رانندگی از دست می‌دهد و به خودش و دیگران آسیب می‌زند.

- با این حساب شخص مست، علاوه بر خودش، می‌تواند به اطرافیانش هم آسیب بزند. پس نمی‌توان به شخص مست اطمینان کرد. شما بارها شنیده‌اید فلانی در حال مستی سندی را امضا کرده است که به ضرر خودش بوده است.

پس این ممنوعیت و حرام‌بودن به نفع هر انسانی است، به‌جز